

مقدمه:

سخن گفتن درباره حضرت مهدی (عج)، به نفس کشیدن می ماند که گرچه مکرر است، اما برای ادامه حیات ضروری است.

درباره زندگانی و غیبت و ظهور امام زمان علیه السلام، کتاب های بسیاری نوشته شده که مشتمل بر هزاران مجلد است. با اینهمه ناگفته های فراوانی باقی مانده است که بیان و تبیین آنها، تحقیقاتی گسترده تر و تألیفاتی افزون تر می طلبد.

علاوه بر اینها، تبلیغاتی اساسی و پیگیر بایسته است تا مردم که به حق، در دوران انقلاب

شکوهمند اسلامی، با اطاعت بی چون و چرا از رهبری معظّم آن، شیفتگی خود را به مقام برتر ولایت حضرت صاحب الزّمان علیه السلام نشان داده اند، بیش از پیش با آن بزرگوار آشنا شوند، و با دقت در ویژگی ها، و بهره گیری از فرمایشات حضرتش، سیره و سنّت او را بیشتر بشناسند.

به راستی از میان هزاران پرسشی که درباره ولادت شگفت انگیز، و امامت زودهنگام، و علت و

کیفیت غیبت صغری و کبری، و چگونگی بهره وری مردم در دوران غیبت، و طول عمر، و نحوه زندگی، و کیفیت ارتباط با مردم و محل سکونت و داشتن خانواده و امکان دیدار و معنای انتظار و عوامل تأخیر و تعجیل فرج، و مقدمات ظهور، و ویژگی و تعداد یاران، و

چگونگی تسلط بر سراسر گیتی، و نحوه حکومت آن حضرت مطرح است، توده مردم و حتی

جوانان و تحصیل کردگان جامعه به چند پرسش، جوابی قانع کننده دارند؟

چند نفرند آنها که بر اساس حقوق شوقی خودجوش، و احساس نیازی درونی، در میان انبوه

کتابهای موجود، به جستجوی گمشده خویش برآمده و به مقصد رسیده باشند؟

و آیا آنچه در دست است جوابگوی اینهمه احتیاج و اشتیاق هست؟!

فصل اول

مشخصات فردی حضرت

۱-۱- تولد شگفت انگیز امام زمان

حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام، بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه

السلام می گوید: بعد از اینکه امام هادی علیه السلام به شهادت رسید و امام حسن عسکری

علیه السلام در جای پدر بزرگوار خود قرار گرفت، من به زیارت او می رفتم، چنانچه به

زیارت پدر آن حضرت می رفتم. روزی به نزد ایشان رفتم. پس نرجس خاتون به نزد من آمد

که چکمه ام را از پایم دریاورد.

گفتم: «ای خانم بزرگوارم! من باید چکمه ترا دریاورم.»

گفت: «تو خانم بزرگوار من هستی! من باید چکمه ترا دریاورم.»

گفتم: «خیر! به خدا قسم که نمی گذارم چکمه مرا در بیاوری، بلکه من ترا بر دیدگان خود می گذارم و ترا خدمت می کنم.»

امام حسن عسکری □ سخنان ما را شنید و فرمود: «ای عمّه! خداوند ترا جزای خیر بدهد.»
من تا غروب آفتاب در نزد آن حضرت نشستم. سپس کنیزی را صدا کردم و گفتم: «لباس مرا بیاور تا مراجعت بکنم.»

امام حسن عسکری □ فرمود: «ای عمّه! امشب را نزد ما بیتوته کن. زیرا امشب، شب نیمه شعبان است و بزودی در این شب مولودی که کریم است و حجّت خداوند متعال بر خلق می باشد متولد می شود، او کسی است که خداوند به وسیله او زمین را بعد از مردنش، زنده می کند.»

پس به درستی که خداوند عزوجلّ زود است که ترا به ولیّ خود و حجّت خود بر خلق که جانشین من است مسرور نماید.»

گفتم: «ای آقای من! از چه کسی این فرزند متولد می شود؟»

حضرت فرمود: «از نرجس.»

پس من به خاطر این بشارت خوشحال شدم و نزد حضرت نرجس □ رفتم ولی در او اثر حملی را ندیدم، پس تعجب کردم و به امام حسن عسکری □ عرض کردم: «من اثر حملی را در نرجس نمی بینم.»

حضرت تبسمی کرد و فرمود: «ما اوصیاء از شکمها برداشته نمی شویم و مادرانمان، ما را در پهلوهای خود حمل می کنند، و ما از ارحام بیرون نمی آییم بلکه از طرف راست مادران خود

بیرون می آییم زیرا ما نورهای خداوند هستیم که کثیفی به ما نمی رسد.»

عرض کردم: «ای سید من! در چه وقتی از این شب، آن مولود، متولد می شود؟»

حضرت فرمود: «در وقت طلوع فجر.»

چون من از نماز عشاء فارغ شدم، افطار کردم و به رختخواب رفتم و پیوسته مراقب نرجس بودم. چون نیمه شب شد، بر نماز خواندن برخاستم و چون نمازم تمام شد، دیدم نرجس

خاتون خوابیده و هیچ مورد خاصی وجود ندارد.

سپس بیرون رفتم تا ببینم که فجر شده است یا نه، پس دیدم که فجر اوّل، طالع شده است و

نرجس خاتون همچنان در خواب بود، پس شکهایی به خاطرم راه یافت. در همین هنگام امام

حسن عسکری □ از آن جایی که نشسته بود، مرا صدا زد و فرمود: «ای عمّه! عجله نکن که

اینک امر ولادت نزدیک شده است.»

پس من نشستم و سوره های «الم سجده» و «یس» را خواندم و در خواندن بودم که نرجس

خاتون، ترسان بیدار شد. من سریع خود را به او رسانیدم و او را به سینه خود چسبانیدم و

گفتم: «نام خدای بر تو باد! احساس چیزی می نمایی؟»

گفت: «بلی ای عمّه!»

در این حال، دیدم نرجس خاتون، اضطراب دارد، پس او را در بغل گرفتم و نام الهی را بر او خواندم. امام حسن عسکری □ صدا زد که: «سوره قدر را بر او بخوان.»

از او پرسیدم: «چه حالی داری؟»

نرجس خاتون گفت: «ظاهر شد اثر آنچه مولایم فرمود.»

پس مشغول خواندن سوره قدر شدم چنانچه امام حسن عسکری □ امر فرموده بود. پس آن طفل در شکم نرجس خاتون نیز با همراهی می کرد و آنچه که من می خواندم را می خواند و بر من سلام کرد و من ترسیدم. امام حسن عسکری □ صدا زد و فرمود که: «ای عمّه! از قدرت

الهی تعجب نکن که حق تعالی کوچکهای ما را به حکمت، گویا می گرداند و در بزرگی، ما را در روی زمین، حجت خود می گرداند.»

سخن حضرت تمام نشده بود که ناگهان حضرت نرجس □ از نظرم ناپدید شد و او را ندیدم. گویا پرده ای میان من و او زده شده بود. پس فریادکنان بسوی حضرت امام حسن عسکری □ دویدم. آن حضرت فرمود: «برگرد ای عمّه! که او را در جای خود خواهی یافت.»

پس من مراجعت نمودم و بعد از زمان کمی، پرده برداشته شد و نرجس خاتون را دیدم که بر وی نوری است که چشمم را خیره نموده و حضرت صاحب الامر □ را مشاهده کردم که به سجده افتاده و انگشتان سبابه خود را به طرف آسمان بلند کرده بود و می گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و ان جدی محمد رسول الله و ان ابی امیرالمؤمنین.» (یعنی: من شهادت می دهم که

نیست معبودی جز خداوند و به درستی جدّ من محمّد، فرستاده خداوند، و پدرم امیرالمؤمنین است.)

آنگاه یک یک امامان را شمرد تا اینکه به خود رسید، پس فرمود: «اللّهم انجزلی ما وعدتني و اتمم لی امری و ثبت و طاعتی و املاء بی الارض قسطاً و عدلاً.» (یعنی: خدایا وفا کن به آنچه که به من وعده داده ای و امرم را تمام کن و قدمهایم را محکم گردان و به وسیله من زمین را پر از عدل و داد کن.)

در روایت دیگری آمده است: چون حضرت مهدی □، متولد شد به زانو درآمده و دو سبابه خود را بلند نمود. آنگاه عطسه کرد و فرمود: «الحمد لله ربّ العالمین و صلّی الله علی محمّد و آله عبداً ذکر الله غیر مستنکف و لا مستکبر.» (یعنی: سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمّد و آل او باد، بنده ای که بدون هیچ ننگ و استکباری خدا را یاد کرد.)

آنگاه فرمود: «ظالمان گمان کردند که حجّت خداوند باطل خواهد شد، اگر در سخن گفتن به من اجازه می دادند هر آینه شکّ زایل می شد.»

۲-۱- رفتن به عرش الهی و گفتگو با خدا

از امام حسن عسکری □ مرویست که فرمود: «چون پروردگارم، مهدی این امت را به من عطا فرمود، ملائکه او را فرستاد که او را برداشتند و به سراپرده عرش بردند تا آنکه او در حضور قرب الهی ایستاد.»

سپس خداوند به او فرمود: «مرحبا به تو ای بنده من که دین مرا یاری می دهی و آنها را ظاهر می سازی!»

سوگند خوردم که به وسیله تو بگیرم و عطا کنم و به وسیله تو بیمارزم و عذاب نمایم. ای ملائکه! او را با مدارا و ملاحظت بسوی پدرش برگردانید و به او بگویید که او در پناه و حفظ و حمایت و نظر عنایت من است تا آن زمان که به وسیله او حق را برپا و ظاهر می نمایم و به وسیله او باطل را نابود می کنم.»

۳-۱- رشد و نمو اعجاز انگیز امام زمان □ در کودکی

حکیمه خاتون می گوید: بعد از گذشت چهل روز از تولد حضرت صاحب الامر □، ملائکه آن حضرت را بازگرداندند.

پس امام حسن عسکری □ من را طلید. چون به خدمتش رسیدم، ناگاه آن کودک را دیدم که در پیش روی او راه می رفت.

پس گفتم: «ای سید من! این پسر، دوساله است.»

حضرت تبسمی کرد و فرمود: «بدرستی که فرزندان انبیاء و اوصیاء □ هرگاه امام باشند، رشدشان غیر از رشد دیگران است و در هر ماه به اندازه یک سال دیگران رشد می کنند و در

شکم مادرش سخن می گوید و قرآن می خواند و پروردگار خود را در زمان شیرخوارگی

عبادت می کند و ملائکه، او را اطاعت می کنند و در بامداد و پسین بر او نازل می شوند.»

پس پیوسته در هر چهل روز، ملائکه آن کودک را برمی گردانند تا آنکه، چند روز قبل از وفات امام حسن عسکری □، حضرت صاحب الامر □، مردی شده بود. من او را شناختم و به امام حسن عسکری □ عرض کردم: «این چه کسی است که دستور می فرماید که روبروی او بنشینم؟»

حضرت فرمود: این پسر نرجس است! این جانشین من است و بزودی من از میان شما می روم، پس سخن او را بشنو و امر او را اطاعت کن.» پس بعد از چند روز امام حسن عسکری □ از دنیا رفت.

۴-۱- القاب و کنیه امام زمان □

نام: محمد

کنیه: ابوالقاسم

امام زمان □ هم نام و هم کنیه حضرت پیامبر اکرم (ص) است. در روایات آمده است که شایسته نیست آن حضرت را با نام و کنیه، اسم ببرند تا آن گاه که خداوند به ظهورش زمین را مزین و دولتش را ظاهر گرداند.

القاب: مهدی، خاتم، منتظر، حجت، صاحب الامر، صاحب الزمان، قائم و خلف صالح.

شیعیان در دوران غیبت صغری ایشان را «ناحیه مقدسه» لقب داده بودند. در برخی منابع بیش از ۱۸۰ لقب برای امام زمان □ بیان شده است.

منصب: معصوم چهاردهم، امام دوازدهم شیعیان و برپاکننده اولین حکومت واحد جهانی در دوره آخر الزمان.

تاریخ ولادت: نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری.

برخی روز تولد آن حضرت را هشتم شعبان و برخی دیگر ۲۳ رمضان دانسته اند.

سال تولد آن حضرت را نیز برخی ۲۵۶ و برخی ۲۵۸ دانسته اند.

محل تولد: سامرا (در سرزمین عراق کنونی).

نسب پدری: ابومحمد، حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی

بن حسین بن علی بن ابی طالب □.

نام مادر: نرجس. نام اصلی وی ملیکه، دختر یشوعای، فرزند قیصر روم است. برخی گفته اند

که نام وی صیقل می باشد.

۵-۱- اختلافات ثبت شده در سال تولد آن حضرت

در مجملی از تاریخ ولادت و شمه از حالات آن جناب در حیات پدر بزرگوارش صلوات الله

علیهما در ارشاد شیخ مفید مذکور است که ولادت آنحضرت در شب نیمه شعبان سنه دویست

و پنجاه و پنج بود. شیخ کلینی در کافی و کراچکی در کنزالفوائد و شهید اول در دروس و

شیخ ابراهیم کفعمی در جنه و جماعتی موافقت کردند ولکن شیخ مفید در مسارالشیعہ سنه

پنجاه و چهار گفته و در تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی مذکور است که

ولادت روز آدینه هشت روز از ماه شعبان گذشته و بروایتی شب آدینه یک نیمه از ماه شعبان برآمده سنه دویست و پنجاه و پنج از مادر در وجود آمده است و به روایتی سنه پنجاه و هفت

و در شجره پنجاه و هشت و حسین بن حمدان خصینی روایت کرده در هدایه خود از عیسی بن مهدی جوهری که گفت بیرون رفتیم من و حسین بن غیاث و حسین بن مسعود و محجل بن محمد بن احمد بن الخصیب از حلا بسوی سرمن رأی در سنه دویست و پنجاه و هفت پس از مداین رفتیم به کربلا پس زیارت کردیم ابی عبدالله را در شب نیمه شعبان پس ملاقات نمودیم برادران خود را که مجاور بودند مرسید ما ابی الحسن و ابی محمد علیهما

السلام را در سرمن رای و ما بیرون رفته بودیم بجهت تهنیت مولد مهدی پس بشارت دادند برادران ما ما را که مولد پیش از طلوع فجر روز جمعه بود هشت روز از ماه شعبان گذشته تا آخر حدیث که طولانیست و در آخر آن گفته که من ملاقات کردم این هفتاد و چند نفر را و سؤال کردم از ایشان از آنچه خبر داد به من عیسی بن مهدی جوهری پس خبر دادند مرا به تمام آنچه او خبرداد و ملاقات کردم در عسکر یکی از موالیان حضرت جواد و ملاقات

کردم ریان غلام حضرت رضا و همه خبر دادند مرا به آنچه آنها خبر دادند ولکن جمعی دعوای شهرت کردند بر نیمه و شیخ طوسی و ابن طاوس دعائی نقل کردند در آن که خواهد آمد در باب دوازدهم و در روز که جمعه بود خلافتی نیست و در سال خلاف شدیدست و علی بن حسین مسعودی در اثبات الوصیه در پنجاه و شش گفته و لکن روایت پنجاه و پنج را

ذکر کرده چنانچه بیاید و و احمد بن محمد فریابی (فاریابی) را وی تاریخ موالید ائمه علیهم السلام نصر بن علی جهضمی که در عصر ولادت بوده در پنجاه و هشت ضبط کرده و لکن

اقوی قول اولیست بجهت روایت صحیحه که شیخ ثقه جلیل ابومحمد فضل بن شاذان که بعد از ولادت حضرت حجت □ و پیش از وفات حضرت عسکری □ وفات کرده در کتاب غیبت خود ذکر کرده و گفت حدیث کرد مرا محمد بن علی بن حمزه بن الحسین بن عبید الله بن عباس بن علی ابن ابی طالب □ گفت شنیدم از حضرت امام حسن عسکری □ که می گفت متولد شد ولی خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و خلیفه من بعد از من ختنه کرده در شب

نیمه ماه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج نزد طلوع فجر و اول کسیکه او را شست رضوان خازن بهشت بود با جمعی از ملائکه مقربین که او را به آب کوثر و سلسبیل شستند.

فصل دوم

غیبت صغری

۱-۲- غیب چگونه است؟

باید گفت غیب بر دو قسم است:

۱- غیب مطلق و ۲- غیب نسبی

غیب مطلق آن غیبی است که ابداً قابل ظاهر شدن نیست مثل ذات مقدّس خدا، و غیب نسبی آن غیبی است که نسبت به بعضی از افراد در برخی از زمان ها غیب است، ولی نسبت به

دیگران غیب نیست، و یا این که این غیب ممکن است به حضور مبذول گردد، مثل اینکه الآن واشنگتن برای ما غیب است از وضع آنجا و حوادث و قضایائی که در آن شهر اتفاق می افتد

بی خبریم ولی همین غیب برای کسانی که الآن در واشنگتن هستند و حوادث و قضایای آن شهر را با چشم می بینند حضور است، یا وضع زندگی شما ده سال دیگر الآن برای شما غیب است، ولی هنگامی که این ده سال سپری شد، وضع شما بعد از ده سال برای شما حضور می شود، البته آن غیبی که جز خدا نمی داند و هیچ کس بر آن مسلط نمی شود، غیب مطلق است که ذات مقدس پروردگار باشد، ولی غیب نسبی برای افراد با وسائلی قابل درک است، مثلاً

ممکن است الآن شما شهر واشنگتن را که برایتان غیب است به وسیله تلویزیون ببینید و این غیب حضور می شود، یا به وسیله تلفن از حوادث آنجا در همین الآن آگاه شوید و این غیب برای شما حضور می شود، در مورد پیغمبر (ص) و امام (ع) قائل هستیم که این امور (غیب نسبی) را آنها با نیروی خداداد و امواج آزاد روح درک می کنند و یا اینکه بر حسب ارتباط با خدا پروردگار آنها را از اینگونه امور آگاه می کند.

البته ما قائل هستیم غیب مطلق (یعنی ذات مقدس پروردگار) برای آنها قابل درک نیست و هیچگاه بکنه خداوند پی نمی برند، و همان است که خدا فرموده: **وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا**

يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ - در نزد خدا است کلیدهای غیب و آن را نمی داند مگر خود او.

دوره غیبت صغری: (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹).

وضع امام و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان □ از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرایط ظهور مهیا گردید ادامه دارد.

ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

بر همین اساس پس از آنکه امام زمان □ در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و غیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی از جانب آنحضرت تعیین شده و واسطه بین آن حضرت و مردم شدند.

۳-۲- نوّاب اربعه

۱- عثمان بن سعید (رحمه الله) که در سال ۳۰۰ هجری وفات کرد.

اول ایشان عثمان بن سعید مروی است که آنجناب کمال وثوق و امانت به او داشت و معتمد در نزد امام علی النقی و امام حسن عسکری □ و وکیل امور ایشان در زمان حیات ایشان بود و از طایفه اسدی به جدش جعفر عمروی منسوب بود و او را سمان یعنی روغن فروش هم می گفتند و این شغل به جهت بعضی از مصالح بود که به جهت تقیه و اخفاء امر سفارت از

اعداء الله روغن فروشی می کرد و شیعیان اموالی که از برای حضرت امام حسن عسکری □ می آوردند به او تسلیم می کردند.

۲- محمد بن عثمان (رحمه الله) که ۵ سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت.

از وکلاء و سفراء آن حضرت پسر او محمد بن عثمان بن سعید مروی بود که حضرت امام حسن عسکری □ او و پدرش را توثیق نموده و به شیعیان خود خبر داد که از وکلای فرزند مهدی است و چون هنگام وفات پدرش عثمان بن سعید عمروی رسید توقیعی از جانب

حضرت حجه □ بیرون آمد که مشتمل بر تعزیت نامه بود در خصوص وفات پدرش و آنکه او نایب و منصوب از جانب ولی خدا است در امر سفارت و در مقام پدرش برقرار است.

۳- حسین بن روح (رحمه الله) که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

از وکلاء و سفراء آن حضرت جناب حسین بن روح بود که او در زمان سفارت محمد بن عثمان از جانب او، به امر او متصدی بعضی امور بود، چند نفر از ثقات و مؤمنین و معتمدین

از برای محمد بن عثمان بودند که از آنجمله حسین بن روح بود بلکه در انظار مردم خصوصیت سابرین بمحمد عثمان بیشتر بود تا خصومیت حسین بن روح به او، جماعتی گمان داشتند که امر وکالت و سفارت بعد از محمد بن عثمان منتقل خواهد شد به جعفر بن احمد به

جهت کثرت خصوصیت او به محمد بن عثمان بلکه در اواخر عمر محمد بن عثمان جمیع طعام او از خانه جعفر بن احمد بود.

۴- علی بن محمد سیمری (رحمه الله) که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت، و امام به او دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند.

از وکلاء و سفرای حضرت حجه عجل الله فرجه شیخ ابی الحسن علی بن محمد سمری بود و چون وفات شیخ ابوالقاسم حسین بن روح علیه الرحمه در رسید به امر حضرت حجه امام عصر □ قائم مقام خود قرار داد شیخ ابی الحسن علی بن محمد سمری را و کرامات و معجزات

و جواب مسائل شیعیان را حضرت حجه الله عجل الله فرجه به دست او جاری می فرمود و شیعیان به امر آن حضرت اموال را تسلیم او می نمودند و او بخدمت آن بزرگوار می فرستاد و چون او را زمان وفات در رسید شیعیان در نزد او حاضر شدند و از او خواهش کردند که کسی را بجای خود بنشانند و امر نیابترا به او واگذارند، او در جواب گفت که خدا را امری هست که باید آن را به اتمام رساند یعنی باید غیبت کبری واقع شود.

و در روایت دیگر از شیخ صدوق علیه الرحمه آنکه چون شیخ ابوالحسن سمری را زمان وفات رسید شیعیان در نزد وی حاضر شدند و او پرسیدند که بعد از تو وکیل امور کی خواهد بود و کدام شخص در جای تو خواهد نشست؟ در جواب ایشان گفت: من مأمور نشده ام که در این باب باحدی وصیت نمایم، و از شیخ طوسی در کتاب غیبت و از شیخ صدوق در کتاب کمال

الدین روایت شده است که چون شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری را وفات در رسید
توقیعی بیرون آورد و به مردم نشان داد.

۴-۲- زمامداران زمان حضرت

امام زمان □ از زمان تولد (سال ۲۵۵ هجری) تا زمان ظهور و تشکیل حکومت جهانی، با تمام
حاکمان و زمامداران کشورهای اسلامی و غیراسلامی، معاصر بوده و خواهد بود؛ اما خلفای
عباسی که در ایام غیبت صغرای آن حضرت بر مسلمانان حکومت راندند عبارتند از:

۱. مهتدی عباسی (۲۵۵-۲۵۶ ق.).

۲. معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ ق.).

۳. معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ ق.).

۴. مکتفی عباسی (۲۸۹-۲۹۵ ق.).

۵. مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ ق.).

۶. قاهر عباسی (۳۲۰-۳۲۲ ق.).

۷. راضی عباسی (۳۲۲-۳۲۹ ق.).

۸. متقی عباسی (۳۲۹-۳۳۳ ق.).

فصل سوم

غیبت کبری

۱-۳- مدّت و شروع غیبت کبری

دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا وقتی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام ظهور حضرت مهدی □ ادامه دارد.

۲-۳- تداوم امامت تا ظهور

آگاه باشید، مثل آل محمد □ چونان ستارگان آسمان است، اگر ستاره ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد (تا ظهور صاحب الزمان □) گویا می بینم در پرتو خاندان پیامبر □ نعمت های خدا بر شما تمام شده و شما به آنچه آرزو دارید رسیده اید.

۳-۳- آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج)

او (حضرت مهدی «عج») خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند، در حالی که به نام تفسیر نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. (و از همین خطبه است)

در آینده آتش جنگ میان شما افروخته می گردد، و چنگ و دندان نشان می دهد، با پستان هایی پرشیر، که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد، به سوی شما می آید. آگاه

باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروزی است (حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف») عمال و

کارگزاران حکومتها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین میوه های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می ریزد، و کلیدهایش را به او می سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند، و کتاب خدا و سنت پیامبر □ را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می کند. (و از همین خطبه است)

۴-۳- آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج)

به راه های چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی پیمودند، و راه روشن هدایت را گذاشتند، پس درباره آنچه که باید باشد شتاب نکنید، و آنچه را که در آینده باید بیاید دیر بشمارید، چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می کند اما وقتی به آن رسید دوست دارد که ای کاش آن را نمی دید، و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد. ای مردم! اینک ما در آستانه تحقق وعده های داده شده، و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام آمیز است، قرار داریم.

۵-۳- ره آورد حکومت حضرت مهدی (عج)

بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی «عج») که فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد، و بر همان سیره و روش پیامبر □ و امامان (علیهم السلام) رفتار می کند تا گره

ها را بگشاید، بردگان و ملت های اسیر را آزاد سازد، جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع آوری می کند. حضرت مهدی (عج) سال های طولانی در پنهانی

از مردم به سر می برد آن چنان که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی شناسند، گرچه دریافتن اثر و نشانه ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند، و چونان شمشیرها صیقل می خورند، دیده هاشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام های حکمت سر می کشند.

۶-۳- اشاره به ظهور حضرت مهدی (عج)

چون آنگونه شود، پیشوای دین قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند.

۷-۳- مقصود از غیبت امام

لازم به توضیح است که مراد از غیبت امام زمان علیه السلام آن نیست که حضرتش از جامعه انسانی بیرون رفته و در عالمی جدا زندگی می کند که هیچ کس او را نمی بیند، بلکه مقصود آن است که دیده می شود ولی به شخص و عنوانش او را نمی شناسند، چنانکه در خبر است

که «يَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» مردم او را می بینند ولی نمی شناسندش یا «فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» امام مردم را می بیند و می شناسد ولی آنها او را می بینند اما نمی شناسند.

و لذا در بعضی روایات آمده که چون امام آشکار شود مردم گویند ما او را پیش از این دیده بودیم. آری مهدی منتظر غایب و ناشناخته است ولی در میان اجتماعات مسلمین رفت و آمد

دارد، و به یاری و کارگشایی شیعیانش می پردازد و درماندگان را کمک و هدایت می فرماید و بخصوص در اماکن متبرکه و مراسم حج حاضر می شود ولی شناخته نمی شود، او در این ویژگی همانند حضرت یوسف □ است.

۸-۳- سئوالاتی در مورد امام زمان:

س: چرا امام دوازدهم □ غایب است؟

ج: به طوریکه مطالعات تاریخ جهان به ما نشان می دهد بشر در گذشته نتوانسته از آموزگاران آسمانی که به نام پیغمبر و یا امام در اجتماع وی آمد و شد کرده اند بهره برداری کند، یا آنها را می کشته و یا زندانی می نموده، و بر اثر نارسایی فکر ملت ها و توده های اجتماعی یک عده قلدران دیکتاتور و خوش گذاران که وجود رهبران آسمانی را ضد قدرت خود احساس می کرده اند آنها را می کشتند و یا سالیان دراز در تیرگی سیاه چال های زندان محبوس می نمودند، و فکر مردم اینقدر رسائی نداشت که آنها نیازمند به رهبر و معلم آسمانی هستند، و در برابر نیروهای قلدرانه دیکتاتوران آنان را حمایت کنند.

خداوند یک تیر را در ترکش ارشاد ذخیره کرد و یک معلم آسمانی را در پس پرده غیبت نگه داشت، برای روزی که بشر از نظر فکری و استعداد درونی پیشروی کند و آمادگی بهره برداری از یک آموزگار آسمانی پیدا کند و احساس نماید که فکر و اندیشه پیشرفته او محتاج به یک

رهبر و راهنمایی است که فکر انسان ها را رهبری کند و آنها را در ایجاد به زیستی و تکامل
صددرد نافع علمی و صنعتی به کار بزند.

س: امام غایب □ الآن چه نقشی دارد؟

ج: این سؤال به وسیله جابر بن عبدالله انصاری از خود پیغمبر □ شد هنگامی که رسول الله □
خصوصیات امام دوازدهم را بیان فرمود: و جریان غیبت آن جناب را پیشگوئی کرد، جابر
پرسید: یا رسول الله! امام و رهبری که از نظر مردم غایب است چه فایده دارد؟

حضرت فرمودند: وجود امام غایب □ در اجتماع نقشی دارد که خورشید از پس ابر داراست
همچنانکه در وسط روز خورشیدی که در پس ابر پنهان است در زمین نور می دهد و فضای
زمین را روشن دارد، اگرچه آفتاب آن دیده نشود، وجود امام □ از پس پرده غیبت همین
نورانیت را داراست.

الآن در واقع تمام برنامه های حمایت و حفظ دین به وسیله شخص امام زمان □ اجرا می
شود، وگرنه این تبلیغات محدود و ناقص نمی تواند با یک صدم برنامه های ضدّ دین و ضدّ

شیعه مبارزه کند، و اگر حمایت و حفظ دین منحصر به این تبلیغات محدود و مختص بود
تاکنون دین از عالم ریشه کن شده بود.

س: آیا ممکن است انسانی بیش از هزار سال عمر کند؟

ج: در اینجا باید به این نکته توجه کرد: که طول عمر برای بشر یک امر طبیعی است و مرگ یک عارضه خارجی هست که بر بدن وارد می شود.

بدن انسان از سلول های بسیاری تشکیل شده و درست مانند یک ساختمانی است که از واحدهای آجر تشکیل یافته و هنگامی که از دور به این بنا می نگریم آن را یکپارچه می بینیم، ولی وقتی نزدیک می آئیم واحدهای آجر این بنا کاملاً مشخص می شود. هنگامی که ما پوست بدن یا پاره استخوان انسان را مشاهده می کنیم چنین می پنداریم که آن یکپارچه است، ولی وقتی که تکه ای از پوست بدن یا قطعه ای از استخوان این انسان را زیر میکروسکوپ می

نگریم، آن را تشکیل یافته از ذرات ریزی مشاهده می کنیم که به هم چسبیده اند، آن ذرات ریز سلول نامیده می شوند، و هرچند گاه یک مرتبه بر اثر کار و فرسودگی بدن این سلول ها از بین می روند و به وسیله مواد غذایی که به صورت خون جذب بدن می شود سلول های تازه ای جای آن ها تولید می شوند تا هنگامی که برنامه تولید مثل سلول در بدن انسان (که از نظر موضوعی آن را بدل ما بتحلل می نامند) ادامه داشته باشد این بدن زنده است، ولو اینکه این

برنامه تا ده هزار سال و یا صدهزار سال ادامه داشته باشد، و در صورتی که مواد غذایی لازم و ویتامین های لازم به بدن برسند و آفات و میکروب ها در بدن راه پیدا نکنند این برنامه تولید مثل سلول تا هزاران سال هم ادامه خواهد داشت و در نتیجه انسان زنده می ماند.

پس بنابراین زندگی طولانی و ممتد موضوعی خارج از قوانین طبیعت نیست بلکه کاملاً این یک امر طبیعی است و امکان آن در مورد یک انسانی به نام امام زمان قابل پذیرش است.

۹-۳- ملاقات با امام زمان

عمل اول

در تفسیر برهان و مصباح کفعمی از کتاب خواص القرآن نقل شده است که: حضرت صادق فرمودند: «هرکس در خواندن سوره مزمل مداومت کند، پیغمبر را می بیند و آنچه را که می خواهد از آن حضرت می پرسد و هر خیری را که خواسته باشد خداوند به او عطا می نماید.»

عمل دوم

کفعمی روایت کرده است که:

هرکس سوره «اَنَا انزلناه» را صد مرتبه در وقت ظهر بخواند پیامبر اکرم را در خواب مشاهده خواهد کرد.

عمل سوم

سید هبه الله بن ابی محمد موسوی معاصر علامه در کتاب «مجموع الرأیق» روایت کرده است که:

«هرکس سوره جن را زیاد بخواند، پیامبر را مشاهده می نماید و هر سئوالی را که بخواهد از آن حضرت می کند.»

عمل چهارم

در کتاب «مجموع الرأیق» روایت شده است که:

«هرکس سوره «قل یا ایها الکافرون» را در نصف شب جمعه بخواند پیامبر اکرم را مشاهده خواهد کرد.

عمل پنجم

بعد از هفت روز روزه گرفتن، هفت مرتبه خواندن دعای مجیر با طهارت در هنگام خواب باعث رسیدن به مقصود در این مورد می گردد یعنی انسان می تواند فرد مورد نظرش را در

خواب مشاهده نماید.

عمل ششم

پنج مرتبه با طهارت دعای معروف به «صحیفه» که در «مهج الدعوات» و غیره روایت شده است را خواندن، باعث دیدن فرد مورد نظر در خواب می شود.

عمل هفتم

کفعمی از امام صادق روایت کرده است که:

«هرکس بعد از نماز ظهر و پیش از ظهر، بیست و یک مرتبه سوره «قدر» را بخواند نمی میرد تا

اینکه پیغمبر را ببیند.»

عمل هشتم

کفعمی از خواصّ القرآن نقل کرده است که:

«هرکس در شب جمعه، نماز شب بجای بیاورد و پس از آن هزار مرتبه سوره کوثر را بخواند و

هزار مرتبه صلوات بفرستد، پیامبر □ را در خواب مشاهده می نماید.

عمل نهم

در بعضی از مجموعه های معتبر آمده است که:

هرکس اراده کند امام زمان □ را در خواب ببیند، بعد از نماز عشاء، دو رکعت نماز با هر سوره

ای که می خواهد بخواند و سپس صد مرتبه این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ بَلِّغْ مِنِّي رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ أَرْوَاحَ آلِ مُحَمَّدٍ
تَجِيَّةً وَ سَلَامًا.»

یعنی:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، ای نورِ نور! ای تدبیر کننده کارها! از جنب من بر روح محمد

و ارواح آل محمد من درود و سلام برسان.»

۱۰-۳- شفا یافتگان به دست حضرت امام زمان □

دیدار شیخ حرّ عاملی با امام زمان □ در ده سالگی و شفا پیدا کردن از بیماری توسط آن

حضرت

مرحوم شیخ حرّ عاملی می گوید: «من وقتی ده ساله بودم مریضی سختی گرفتم به طوری که فامیل و نزدیکان من جمع شدند و گریه می کردند و آماده شدند برای عزاداری و مطمئن شدند که من در آن شب می میرم.

در حال خواب و بیداری بودم که پیامبر و دوازده امام را دیدم پس به آنها سلام کردم و با یکی یکی آنها دست دادم و حضرت امام صادق علیه السلام با من صحبتی کرد که یادم نیست فقط یادم هست که آن حضرت برای من دعا کرد.

پس سلام کردم بر حضرت صاحب علیه السلام و به آن حضرت دست دادم و گریه کردم و گفتم: «ای سرور من! می ترسم که با این مریضی بمیرم و به آرزویم که عالم شدن و عمل به دستورات الهی است نرسم.»

ایشان فرمود: «نترس! چون تا با این مریضی نمی میری بلکه خداوند بلندمرتبه و عالی قدر، تو را شفا می دهد و عمری طولانی می کنی.»

در آن وقت ظرفی را که در دستش بود به دست من داد و وقتی از آن نوشیدم در همان لحظه شفا یافتم و مریضی ام کاملاً از من دور شد و نشستم و فامیل و نزدیکانم تعجب کردند و من چیزی از آن چه دیده بودم نگفتم تا اینکه چندروزی گذشت و بعد ماجرا را گفتم.»

شفای چشم زن کور توسط امام زمان علیه السلام و دستور آن حضرت به زن در مورد خدمت به شوهرش

شیخ شمس الدین محمد بن قارون می گوید: مردی در قریهٔ دقوسا که یکی از قریه های کنار نهر فرات بزرگ است، ساکن بود.

نام آن مرد نجم و لقبش اسود بود و بسیار آدم خوب و اهل خیری بود. وی، زن صالحه ای داشته بود که به او فاطمه می گفتند و او نیز زن خوب و صالحه ای بود. آنها یک پسر و یک دختر داشتند که اسم پسر، علی و اسم دختر، زینب بود.

آن مرد و زن هر دو نابینا شدند و مدتی بر این حالت، باقی ماندند. در یکی از شبها، زن دید که دستی بر روی او کشیده شد و گوینده ای گفت: «حق تعالی، کوری را از تو برطرف کرد.

برخیز و شوهر خود، ابوعلی را خدمت کن و در خدمت او کوتاهی نکن.»

زن می گوید: «من چشمم را باز کردم و دیدم که خانه پر از نور است پس دانستم که آن شخص حضرت قائم است.

۱۱-۳- نجات یافتگان به دست حضرت مهدی

بالا رفتن دیوار و نجات از دست سنی ها به برکت امام زمان

شیخ محمد انصاری می گوید: «در سفرم به سامرا، چون خواستم به سرداب مقدس مشرف شوم، مغرب گذشته بود و نماز واجب را نخوانده بودم. در مسجدی که متصل به درب سرداب است دیدم که نماز جماعت است و نمی دانستم که این مسجد به تصرف اهل تسنن است و مشغول نماز عشاء هستند. پس، به اتفاق فرزندم وارد شبستان شده و در گوشه ای از شبستان

مشغول نماز و سجده بر تربت امام حسین □ شدم و چون از جماعت فارغ شدند جمعیت از جلوی من گذشته و به حالت غضب به من نظر می کردند و ناسزا می گفتند. پس دانستم که اشتباه کردم و تقیّه نکردم.

چون همه رفتند، ناگاه تمام چراغ های شبستان را خاموش کرده و در را به روی من بسته و هرچه استغاثه کردم و فریاد زدم که: «من، غریب و زوارم!» به من اعتنایی نکردند. در آن وقت، حالت وحشت و اضطراب عجیبی در من و فرزندم پیدا شد و می گفتم خیال کشتن ما را دارند.

پس، گریان و نالان، با حالت اضطرار به حضرت حجّت بن الحسن □ متوسّل و از پروردگار به وسیله آن بزرگوار، نجات خود را خواستیم.

ناگاه فرزندم که نزدیک دیوار بود و ناله می کرد، گفت: «پدر! بیا که راه پیدا شد و ستونی که جزء دیوار و نزدیک به درب شبستان می باشد، بالا رفته است.»

چون نظر کردم، دیدم تقریباً به مقدار دو، سه و جب، ستون از زمین بالا رفته به طوری که به آسانی از زیر آن می توان خارج شد.

پس من و فرزندم از زیر آن خارج شدیم و چون بیرون آمدیم، ستون به حالت اولیّه خود برگشت و راه مسدود شد؛ شکر خدا را به جا آوردم.

فردا آمدم همانجا را ملاحظه می کردم هیچ اثر و نشانه ای از حرکت ستون دیده نشد و سر سوزنی هم شکاف در دیوار نمایان نبود.

سیراب شدن و رسیدن به قافله باطی الارض

سید حسن بن حمزه که یکی از علماء بزرگ شیعه است به نقل از مرد صالحی نقل می کند که:

«من در یکی از سال ها به قصد زیارت بیت الله و اعمال حج از منزل بیرون رفتم و اتفاقاً آن

سال گرما و امراض مسری زیاد شده بود.

در راه، با غفلتی که کرده بودم از قافله عقب افتادم. کم کم از کثرت تشنگی در آن بیابان گرم

بی حال روی زمین افتادم و نزدیک به هلاکت بودم، که صدای شیئه اسبی به گوشم رسید.

وقتی چشمم را باز کردم جوان خوش رو و خوشبوئی را سوار بر اسب دیدم که بالای سرم

ایستاده و ظرف آبی در دست داشت. از اسب پیاده شد و آن آب را به من داد.

آن آب به قدری سرد و شیرین بود که من تا به حال مثل آن آب را نخورده ام. از آن آقا سؤال

کردم: «تو چه کسی هستی که این لطف و مرحمت را به من نمودی؟»

او گفت: «من حجّت خدا بر بندگان خدایم!

من بقیه الله در زمینم!

من آن کسی هستم که زمین را از عدل و داد، پُر خواهم کرد بعد از آنکه پُر از ظلم و جور شده

باشد!

من فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (علیهم السلام) هستم!

وقتی او را شناختم، به من فرمود: «چشم هایت را روی هم بگذار.»

پس من دستور را عمل کردم و چشمهایم را روی هم گذاشتم.

پس از چند لحظه به من فرمود: «چشمت را باز کن.» پس چشمم را باز کردم و خود را کنار قافله دیدم.

در این موقع آن حضرت از نظرم غائب شد.

۱۲-۳- محل زندگی فرزندان و خود امام □

۱-۱۲-۳- دیدن شهر عربی ناشناخته در دریا توسط طیب فرانسوی

علامه مجلسی می نویسد:

«یک طیب فرانسوی فرنگی می گفت: من اکثراً در جزائر دریای اخضر، سیاحت و تجارت می کردم.»

به حوالی اکثر جزائر که می رسیدم در میان دوربین نظر می کردم. شهری می دیدم عظیم و وسیع که همه آن شهر عرب بودند و آمد و شد می کردند.

گاه بود که بی دوربین هم می دیدم، ولی چون جلوتر می رفتم کسی را نمی دیدم و علامت شهری نبود و گاه بود که تشخیص می کردم مردی را از دور که ریش او سیاه است یا سفید یا

سرخ مو؟! و چون نیک ملاحظه می کردم اثری از او نمی دیدم.»

۲-۱۲-۳- رفتن به جزیره خضراء و دیدن ارواح انبیاء و اوصیاء

مرحوم سید علی قاضی طباطبائی تبریزی نجفی می گوید:

یکی از دوستانم رفتن به جزیره خضراء را برایم نوشته بود که در قسمتی از آن آمده است:

«تا آنکه در شب عاشوراء ناگهان دیدم آن مرد آمد و مرا در یک طرفه العین به سوی جزیره ای

که امام زمان □ در آن ساکن است بُرد.

پس در آنجا دیدم آنچه خارج است از حدّ وصف و بیان.

در آنجا ارواح انبیاء و اوصیاء بود و مشاهده نمودم از آثار عظمت آنچه را که مدهوش شدم و

ملفت نشدم که آیا امام زمان □ را دیدم یا نه؟! تا برگرداند آن مرد مرا به سوی اهل خودم در

یک طرفه العین.»

۳-۱۲-۳- احترام مخصوص آیه الله میلانی نسبت به اشخاص ناشناس

یکی از علماء به نقل از شخصی به نام آقای شیخ جعفر مشهدی می گوید: «روزی شخصی به

نام سید جعفر به خانه مرحوم آیه الله سید محمد هادی میلانی در مشهد وارد شد.

حاضرین دیدند که آقای میلانی نسبت به آن شخص ناشناس خیلی احترام کرد.

بعد از رفتن آن سید، بعضی از علماء حاضر در مجلس به آیه الله میلانی گفتند که شما برخلاف معمول نسبت به این شخص احترام کردید.

۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) در ادیان مختلف

۱-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی □ در کتاب اوپانیشاد

در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود □ چنین آمده است:

«این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی

که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود و شیرین را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»

۲-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی □ در کتاب «پاتیکل»

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعظم کفره هند

است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی □ چنین آمده است:

«چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از

فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر».

یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هرکه پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام).

و دولت او بسیار گشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم □ و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه «سومنا» را خراب کند. و «جگرنات» به فرمان او بسخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هرجا باشد بشکند).

۳-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت بقیه الله □ در کتاب «وشن جوک»

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، درباره بشارت ظهور حضرت «بقیه الله» □ و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است:

«آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزا دهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند».

۴-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت قائم □ در کتاب «دادتگ»

در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدسه برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت قائم □

چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و

فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دینتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود

و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم

شوند، و رعیت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد

بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را

بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلاق را هدایت کند، و آن

در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول

نکند».

۵-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی □ در کتاب «تورات»

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد

قبول آنها است، بشارت زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان

آمده است که چون مضمون های آن بشارت در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی

به صورت گسترده ای وارد شده و نشان می دهد که مسأله «مهدویت» اختصاص به اسلام

ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می آوریم، و برخی از نکات آنها را توضیح می دهیم تا موضوع تشکیل حکومت واحد جهانی، و تبدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، بر همگان روشن شود.

گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقات آن) همچون کتاب انجیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسی □ سخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مستقیم با ظهور حضرت مهدی □ دارد، نگارنده نیز در ضمن بشارات ظهور حضرت مهدی □، فزازهایی از «تورات» را آورده است تا دانسته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان آمده است همچون مسلمانان به «رجعت» و بازگشت حضرت مسیح □ معتقدند. و در این باره تردید ندارند که بالاخره روزی فرا می رسد که حضرت عیسی روح الله □ به زمین باز می گردد و برخی از آنها را تنبیه و از برخی دیگر انتقام می گیرد، هرچند که بسیاری از آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضرت مهدی □ و عیسی مسیح □ می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می گردند.

۶-۱۳-۳- بشارات ظهور حضرت مهدی □ در «زبور داوود»

در زبور حضرت داوود □ که تحت عنوان «مزامیر» در لابه لای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی □ به بیان های گوناگون داده شده است و می توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی

صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

۷-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی □ در کتاب «انجیل»

بر اساس بشارت فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح □ به دنبال قیام حضرت قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی □ گردند. از

این رو، در آخرین روزهای زندگی، -و شاید در طول دوران حیات- به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارش های اکیدی درباره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است.

که نام انواع انجیل را در اینجا ذکر می کنیم:

الف) انجیل متی

ب) انجیل مرقس

ج) انجیل لوقا

ه) انجیل یوحنا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است و از این تعجب
مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند
شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به
جهت قیامت داوری.»

و) رساله پولس به رومیان

ز) اعمال رسولان

۸-۱۳-۳- بشارت ظهور حضرت مهدی □ در منابع «زرتشتیان»

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی □ شده است که قسمتی از آنها را
درمی آوریم:

۱- در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است درباره انقراض اشرار و وراثت «صلحا»
که پس از درهم شکستن شوکت جبّاران و بیدادگران، زمام امور جامعه بشری را به دست
خواهند گرفت، چنین می گوید:

«لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با
اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه، در هنگام تنگی
از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه
ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را

منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی بر تخت نیکبختی خواهند نشست».

۲- در بخش «گاتها» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی □ و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های انبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است:

«و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی بسپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

۳- باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است:

«کی ای «مزدا»! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزش های فزایش بخش پرخرد رهاندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا».

۱۴-۳ جنگ جهانی سوم، ارمغان تمدن صنعتی

از روایات اسلامی و پیشگویی های پیشوایان استفاده می شود که: پیش از ظهور حضرت ولی عصر[□]، فتنه ها، شورش ها و انقلاب های نظامی اتفاق می افتد و طی جنگی جهانی، یک سوّم جمعیت روی زمین به هلاکت می رسد، و به دنبال آن بیماری طاعون شایع می شود، و یک سوّم دیگرش را نیز نابود می کند.

برای روشن شدن مطلب به چند روایت که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید.

۱- در حدیثی از امیرمؤمنان علی[□] روایت شده که فرمود:

«مهدی[□] قیام نخواهد کرد تا این که یک سوّم مردم کشته شوند، و یک سوّم بمیرند، و یک

سوّم باقی بمانند.»

۲- در حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

«پیشاپیش ظهور حضرت قائم[□] دو نوع مرگ خواهد بود: مرگ سرخ (کشته شدن) و مرگ

سفید (مردن)... مرگ سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید با طاعون محقق می شود.»

۳- در حدیثی که ابوبصیر و محمد بن مسلم از حضرت صادق[□] نقل کرده اند، چنین آمده

است:

«این امر -ظهور- صورت نخواهد گرفت تا این که دو سوّم مردم از میان بروند. عرضه شد:

اگر دو سوّم مردم از میان بروند، چه کسی باقی می ماند؟

فرمود: آیا خوشحال نیستید که شما یک سوّم باقی مانده باشید؟»

۴- در حدیثی که بزنی از هشتمین پیشوای معصوم شیعه، حضرت علی بن موسی الرضا □ نقل نموده، چنین آمده است:

«پیشاپیش این امر -ظهور- کشتار بسیار داغی هست.

عرض کردم: «بیوح» به چه معناست؟

فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و سستی نپذیرد و از شدت و جدت آن کاسته نشود».

۵- در ضمن حدیثی که به خط امام حسن عسکری □ در پشت جلد کتابی یافت شده، و بزرگان شیعه آن را نقل کرده اند، چنین آمده است:

«شیعیان ما گروه رستگاران و طایفه پاکیزگان هستند. آن ها بازو و پشتیان ما هستند و در برابر ستمگران یار و یاور ما می باشند. پس از شعله ور شدن آتش [فتنه ها و جنگ ها] چشمه های زندگی حقیقی برایشان روان خواهد شد».

۶- در حدیثی که حضرت ولی امر □ درباره برخی از نشانه های ظهور به یکی از تشریف یافتگان محضر اقدسش فرموده، چنین آمده است:

«نشانه ظهور من، کثرت هرج و مرج و فتنه و آشوب است».

۲-۱۴-۳- زمان ظهور

این تجلی و حاکمیت نهایی حق، و این پیروزی همه جاگیر و قاطع جهانی عدالت، در زمان ظهور دوازدهمین امام محقق خواهد شد، در آن دوران جامعه مطلوب اسلامی در سایه حکومت مطلوب اسلامی برقرار می شود.

در بحث زیر با بررسی صدها روایتی که درباره مختصات زمان ظهور آمده است، دورنمای مختصری از جامعه و نظام حاکم آن روز را ترسیم می کنیم. فراموش نکنیم که این چنین جامعه و نظامی، همان طرح جامع اسلام در این زمینه است و چیزی جز آن نیست. این بحث را در چند بخش زیر عنوان می کنیم:

۱- در آستانه سقوط

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

وی هنگامی قیام می کند که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و کشورها به یکدیگر شبیخون می زنند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند، نه نیرومند بر ناتوان مهر می ورزد.
امام باقر (ع) فرمود:

«... قائم (ع) قیام نمی کند جز در هنگامی که ترسی شدید مردم را فرا گرفته و بحران ها، آشوبها، گرفتاری ها، و بیماری آنان را احاطه کرده باشد. کشتار وحشیانه، اختلاف شدید و تفرقه دینی بین مردم افتاده و چندان دچار رنج و افسردگی شده و به جان یکدیگر افتاده باشند، که صبح و شام آرزوی مرگ کنند. آری وی در ناامیدی مطلق مردم، خروج خواهد کرد.»

امام صادق (ع) درباره مراتب ایمان و نیروی پایداری یارانش چنین فرمود:

«... هر یک از یارانش گویی نیروی چهل مرد دارد، دلش از پاره های آهن محکمتر است، اگر

بر کوه های آهن بگذرند آن را می شکافند، سلاح خویش را به زمین نمی گذارند تا خدای

بزرگ را راضی کنند...»

و از روایت دیگری استفاده می کنیم که در آن روزگار:

«... مردمی با ایمان، پارسا، مخلص، دین باور، پرهیزکار، تسلیم در برابر حق، بردبار، متین، بی

رغبت به دنیا و مشتاق پروردگار ... خواهند بود که خدایشان وارث قدرت و ثروت زمین

ساخته و دین و آرمانشان را که برایشان برگزیده بود در زمین مستقر گردانیده، که جز خدای را

پرستش نمی کنند، هرگونه شرکی ریشه کن شده، نماز را به موقع می خوانند و زکات را به

جای می پردازند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»

و از امام صادق (ع) نقل شده که درباره پیروان راستینشان چنین می فرماید که:

«... ترس از دلشان ریشه کن شده و در دل دشمنان افتاده است، هر یک از آنان از سرنیزه

پیشروتر و از شیر بی باکتر است...».

و نیز یکی از یاران امام باقر می گوید:

«به آن حضرت گفتم، چنین می گویند که وقتی مهدی قیام کند، همه کارها برایش خود به خود

رو به راه می شود بی آنکه قطره خونی ریخته شود، فرمود:

ابداً چنین نیست، به حق آن که جانم در دست اوست اگر بنا بود کارها بدین آسانی پا گیرد، برای پیغمبر اسلام چنین می شد، پس چرا در راه مبارزاتش دندانش شکسته شد و صورتش زخم برداشت، نه چنین نیست به خدا، جز این که ما و شما غرق در عرق و خون زخمهای خود گردیم...»

از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود:
«...گویی می بینم که خیمه های فراوان سرپا دشه و در زیر آنها به مردم قرآن را به همان ترتیب که نازل شده است یاد می دهند.»

امام باقر (ع) ضمن گفتاری درباره آن دوران فرمود:
«... علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان نیز بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می کنند.»

و دانش در رشته های مختلف گسترده می شود، بدان گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه نیست، به طوری که در روایت امام صادق (ع) مثالی بدین ترتیب آمده است که اگر ظرفیت علمی بشر هفتاد و دو حرف باشد تا آن روز فقط دو حرفش را شناخته اند، اما در آن دوران به تدریج همه هفتاد و دو حرف شناخته خواهد شد.

و در مورد رشد عقلی و اخلاقی مردم، امام باقر (ع) چنین فرمود:

«در آن روزگار که قائم ما برخیزد و مردم در سایهٔ حمایت وی قرار گیرند، عقلهایشان شکوفا و خصلت های انسانی آنان کامل و بارور شود.»

«... کسانی که روزگار قائم را درک کنند، بیمارشان بهبودی می یابد و ناتوانشان نیرومند می شود...»

«در آن روزگار، کور، زمین گیر و دردمندی نمی ماند، جز این که گرفتاری و بلا از او دور می شود.»

و این حکومت حق و عدل، جهانی می شود و شرق و غرب را فرا می گیرد و بشر یکپارچه

در چنین روزگار امن و عدالت و رفاهی نشو و نما می کند و روابط صمیمانهٔ انسانی بین هم ایمانان سراسر جهان برقرار می شود، چنان که گویی از این طرف و آن طرف جهان با یکدیگر سخن می گویند و یکدیگر را می بینند و با هم همدردی و همکاری دارند...

و این غیر از روابط و قراردادهای صلح بی اساسی است که در گذشته برای حفظ منافع قدرتها بسته شده، و هر لحظه دستخوش ناپایداری بوده است، حتی این چنین قراردادهای، با ظهور قائم

به کلی درهم می ریزد و جای همهٔ آنها را عدالت راستین همگانی می گیرد.

در آن روزگار دیگر نفاق و ریاکاری بازاری ندارد و سازش و مجامله و پرده پوشی در کار

نیست، همه باید صمیمانه و به راستی تسلیم حکومت حق گردند و گرنه از پای درآیند.

و این حکومت نهایی حق و استقرار کامل عدالت و رشد همه جانبه انسانها، آخرین حلقه تاریخ بشر است، پس از آنکه همه نظام ها و مکتب ها تجربه شده و توفیق همه جانبه جهانی به دست نیاورده اند. آری، این قیام نهایی الهی دورانی - هرچند محدود- اما غرق در حق و عدالت و پایان کار تاریخ است.

۱۵-۳- اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی

عقیده به آینده روشن و تشکیل حکومت واحد جهانی، راه خدا و راه معنویت و مطابق با فطرت و طبیعت است. به همین جهت، فلاسفه و اندیشمندان بزرگ جهان -مادی و الهی- در

این عقیده با هم شریکند، و در انتظار روزی به سر می برند که حکومت واحد جهانی بر اساس معیارهای الهی و انسانی تأسیس گردد و جهان نوینی پدید آید و بشر در زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانده قرار گیرد و از همه دردها و رنج ها رهایی یابد.

«اندیشمندان بزرگ برای از بین بردن جنگها و خصومتها و برطرف ساختن بحران های منطقه ای و بالاخره برای جلوگیری از جنگها و کشمکشهایی که سرانجام به جنگ جهانی سوم

خواهد انجامید، تنها راهی که پیدا کرده اند این است که: باید فکر پوسیده «نژاد برتر» را از مغزها بیرون ریخت، و «جهان وطنی» را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داده، مرزهای جغرافیایی را در هم ریخته، شالوده حکومت واحد جهانی را (بر اساس عدالت و آزادی) استوار ساخت».

اینک عین گفتار و نظریه چند تن از دانشمندان مشهور جهان را یادآور می شویم.

۱- اینشتین

دانشمند و فیزیک دان بزرگ، معتقد است که ملل مختلف جهان از هر رنگ و نژادی که باشند، می توانند و باید زیر یک پرچم واحد بشریت، در صلح و برابری و برادری زندگی کنند.

نامبرده در اهمیت و ارزش حکومت واحد جهانی برای زندگی انسانها، تا آنجا پیش رفته است که صریحاً می گوید:

«حکومت‌های متعدد خواه و ناخواه به نابودی بشر منجر خواهد شد، و مردم جهان یکی از دو

راه را باید انتخاب کنند: یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود، و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی، همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشری گردد.»

۲- فولیتر فرانسوی

«هیچ کس برای شهرهای خودش عظمت آرزو نکرد مگر آن که آرزومند بدبختی و نیستی دیگران شد.»

۳- پروفیسور آرنولد توین پی

وی که از شخصیت های متفکر انگلیسی است، ضمن نطقی که در کنفرانس صلح «نیویورک»

ایراد نموده به ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره کرده، و چنین می گوید:

«تنها راه صلح و نجات نسل بشر، تشکیل یک حکومت [واحد] جهانی، و جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی است.»

۴- ویلیام لوکا اریسون، فیلسوف آمریکایی

«ما به مملکت واحد و قانون واحد و قاضی واحد و حاکم واحد برای بشر، اعتراف می کنیم. تمام شهرهای دنیا، شهر ما و هر یک از جامعه بشر، ابنای شهر ما و ابنای وطن ما هستند. ما زمین شهرهای خود را دوست می داریم به مقداری که شهرهای دیگر را دوست می داریم.»

۵- دانته، ادیب شهیر ایتالیایی

«واجب است که تمام زمین و جماعاتی که در آن زیست دارند به فرمان یک امیر باشند، که آنچه را مورد حاجت است مالک باشد تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود.»

فصل چهارم

ظهور و بعد از آن

۱-۴- داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول □

علامتی در پشت کمر ایشان است مثل علامتی که بر پشت مبارک رسول خدا □ بود که به آن ختم نبوت می گفتند.

۲-۴- ظهور نشانه های عجیب و غریب آسمانی و زمینی

یکی از این نشانه ها، سُرخِی آسمان است که در بسیاری از روایات نیز آمده است و به روایت نعمانی از امیرالمؤمنین □ نقل شده است که:

«آن سُرخِی، اشک چشم حاملان عرش بر اهل زمین است.»

۳-۴- گُند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود از امام صادق □ روایت کرده است که فرمود: «حضرت

قائم □ هفت سال حکومت می کند که مطابق هفتاد سال از سال های عمر شما می شود.»

شیخ طومسی در کتاب «غیبت» در روایتی طولانی آورده است که:

«خداوند در زمان آن حضرت به فلک امر می فرماید که گردش او گُند شود تا اینکه در ایام

حکومت او هر روز، ده روز؛ و هر ماه، ده ماه؛ و هر سال، ده سال می شود.»

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از حضرت باقر □ روایت کرده است که فرمود:

«حضرت قائم □، سیصد و نه سال پادشاهی خواهد کرد، همان طور که اصحاب کهف در غار

درنگ کردند، آن حضرت زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، آنگاه که پر از ظلم و جور

شده باشد.»

۴-۴- از بین رفتن وحشی گری و نفرت از میان حیوانات

خوی وحشی گری و نفرت و همچنین دشمنی از میان حیوانات حتی میان آنها و انسان ها از

بین می رود، همان طور که پیش از کشته شدن هابیل این چنین بود.

شیخ صدوق در کتاب «خصال» از امیرالمؤمنین □ روایت کرده است که فرمود:
«اگر حضرت قائم ظهور کند، میان درندگان و چارپایان، صلح برقرار می شود، به طوری که

یک زن میان عراق و شام راه می رود و پایش را روی هیچ گیاهی نمی گذارد و هیچ درنده ای
او را به هیجان نمی آورد و نمی ترساند.»

گوسفند و گرگ و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر در امان می مانند.
گوسفند و گرگ در یک مکان زندگی می کنند و کودکان با مارها و عقربها بازی می کنند و
آنها بچه ها را اذیت نمی کنند و خلاصه این که شرّ می رود و خیر می ماند.

۵-۴- دادن نیروی ۴۰ مرد به هر یک از یاران امام زمان (عج)

حضرت لوط به قوم خود گفت: «لو انّ لی بکم قوه او آوی الی رکن شدید» مگر با مقایسه و
آرزوی قوت و نیروی حضرت قائم □، و ذکر نکرد مگر قدرت اصحاب او را که به هرکدامشان
چهل مرد داده می شود.

در کتاب «کمال الدین» از امیرالمؤمنین □ روایت است که فرمود:

«آن جناب دست خود را روی سر عبادت کنندگان می گذارد، پس هیچ مؤمنی نماند که دلش
سخت تر از پاره آهن نباشد و خداوند به او قدرت چهل مرد را می دهد.»

در کتاب «بصائر الدرجات» صفّار از امام باقر □ روایت است که فرمود: «وقتی امر ما واقع شود
و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما، جری تر از شیر و گذارنده تر از نیزه می شود، و

دشمن ما را با پای خود پایمال می کند و او را با دست خود می زند و این کار در هنگام نزول رحمت خدا و فرج او بر بندگان است.»

۶-۴- زره رسول خدا □ فقط اندازه قد شریف حضرت قائم □ است.

زره رسول خدا □ فقط بر قامت حضرت مهدی □ راست می آید. چنانکه در کتاب «بصائر الدرجات» از امام صادق □ روایت است که بعد از ذکر چیزهایی از قبیل سلاح و موارث انبیاء که در نزد ایشان است، فرمود: «به درستی که قائم ما کسی است که وقتی زره رسول خدا □ را بپوشد آن را پر کند و به اندازه باشد یعنی کوچک یا بزرگ نباشد و همانا ابوجعفر □ آن را پوشید پس بزرگتر از قامتش بود.»

۷-۴- آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم □ ظاهر و اجراء نشده است.

آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم □ ظاهر و اجرا نشده است. چنانکه در کتاب «کافی» و «کمال الدین» از حضرت صادق □ روایت شده است که فرمود: دو خون است که از جانب خدای تعالی حلال است و احدی در آن حکم نمی کند تا اینکه قائم ما اهل بیت ظهور کند.

هرگاه خداوند متعال، قائم ما اهل بیت را برانگیخت، به حکم خداوند در آن حکم می کند و دلیل بر آن نمی خواهد. زناکاری که همسر دارد را سنگسار می کند و گردن کسی که زکات نمی دهد را می زند.

در کتاب «خصال» از امام صادق □ و امام کاظم □ روایت است که فرمود: «هرگاه قائم ما ظهور

کرد، به سه حُکم، حکم می کند که احدی قبل از او به آنها حکم نکرده است، پیر زناکار را می

کشد، مانع زکات را می کشد و به برادر از برادرش در عالم ذرّ ارث می دهد، یعنی هر دو نفر

که در آنجا میانشان عقد اخوت و برادری بسته در این جا از یکدیگر ارث می برند.»

۸-۴- پیدا شدن تمام مراتب علوم

تمام علوم در زمان حضرت قائم □ بیرون می آید.

علم، بیست و هفت حرف است. تمام علومی که پیامبران آورده اند دو حرف بود و مردم تا

امروز بیش از این دو حرف را نشناختند.

پس زمانی که قائم ما □ خروج می کند بیست و پنج حرف را بیرون می آورد. سپس تمام

بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر می کند.»

شیخ صفا در «بصائر» از آن جناب روایت کرده است که فرمود: «در انتهای شمشیر رسول

خدا □ صحیفه کوچکی بود که حضرت علی □، پسرش امام حسن □ را خواست و آن صحیفه

را به او داد و فرمود: «آن را باز کن»

امام حسن □ نتوانست آن را باز کند، پس آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان»

پس امام حسن □ حرفی را بعد از حرفی خواند: «الف، با، سین، لام و ...»

سپس حضرت علی آن را بست و به پسرش امام حسین داد، پس او هم نتوانست آن را باز

کند. حضرت علی آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان»

پس امام حسین نیز مانند برادرش، آن را به همان صورت خواند.

سپس حضرت علی آن صحیف را بست و به پسرش محمد بن حنفیه داد، او هم نتوانست

آن را باز کند. پس آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان»

ولی او نتوانست چیزی از آن را بخواند.

سپس حضرت علی آن را گرفت و بست بر شمشیر رسول خدا آویزان کرد.

راوی پرسید: «در آن صحیفه چه بود؟»

حضرت فرمود: «در آن حروفی بود که از هر حرفی از آن هزار درب باز می شود. تاکنون فقط

دو حرف از آن بیرون آمده است.»

۹-۴- جاری شدن نهري از آب و نهري از شير از پشت شهر کوفه

دو نهر آب و شير از پشت شهر کوفه که محلّ سلطنت آن حضرت است از سنگ حضرت

موسی که با ایشان است جاری می شود.

وقتی پشت کوفه فرود آمدند پیوسته آب و شير از آن جاری می شود. پس هر کسی که گرسنه

باشد سير می شود و هر کسی که تشنه باشد سيراب می گردد.»

۱۰-۴- فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان

حضرت روح الله، عیسی بن مریم (علیهما السلام) برای یاری حضرت مهدی □ از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

در کتاب «کمال الدین» از رسول خدا □ روایت است که فرمود:

«قسم به آن که مرا به پیامبری فرستاد که اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خدا طولانی می کند آن روز را تا اینکه فرزندم مهدی قیام کند و حضرت عیسی فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند.»

شیخ طوسی در کتاب «غیبت» از آن حضرت روایت کرده است که به حضرت فاطمه

(علیها السلام) فرمود: «ای فرزند من! به ما اهل بیت، هفت چیز داده شده که به احدی پیش از ما داده نشد:

۱- پیغمبر ما بهترین پیغمبران است و آن پدر تو است.

۲- وصی ما بهترین اوصیاء است و آن شوهر تو است.

۳- شهید ما بهترین شهداست و آن حمزه، عموی پدر تو است.

۴- کسی که دو بال سبز دارد و در بهشت پرواز می کند، از ما است. (ظاهراً اشاره به جعفر بن ابی طالب (ع) است.

۵ و ۶- دو سبط این امت یعنی حسن و حسین از ما هستند.

۷- قسم به خداوندی که خدایی جز او نیست، مهدی این امت از ما است، همان کسی

است که حضرت عیسی پشت سر او نماز می خواند.»

۱۱-۴- خروج دجال

آن ملعون ادعای الوهیت نماید و به وجود نحس او خونریزی و فتنه در عالم واقع خواهد شد

و از اخبار ظاهر شود که یک چشم او مالیده و ممسوح است و چشم چپ او در میان پیشانی

او واقع شده و مانند ستاره می درخشد و پارچه خونی در میان چشم او واقع است و بسیار

بزرگ و تنومند و شکل عجیب و هیئت غریب و بسیار ماهر در سحر است و در پیش او کوه

سیاهی است که به نظر مردم می آورد که کوه ناست و در پشت سر او کوه سفیدی است که

از سحر به نظر مردم می آورد که آبهای صاف جاری است و فریاد می کند: «اولیائی انا ربکم

الاعلی» و شیاطین و مرده ایشان از ظالمین و منافقین و سحره و کهنه و کفره و اولاد زنا بر سر

او اجتماع نمایند و شیاطین اطراف او را گرفته و به جمیع نغمات و آلات لهو و لعب و تفنی

از عود و مزمار و دف و انواع سازها و بربط ها مشغول می شوند که قلوب تابعین او را

مشغول به آن نغمات و الحان می نمایند و در انظار ضعفاء العقول از زنان و مردان چنان به

جلوه درآوردند که همه ایشان را به رقص آورند و همه خلق از عقب سر او می روند که آن

نغمات و الحان و صداهای دلربا را بشنوند گویا که خلق همه در سکر و مستی می باشند و در

روایت ابوامامه است آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هر مومنی که دجال را ببیند

آب دهن خود را بر روی او بیندازد و سوره مبارکه حمد را بخواند به جهت دفع سحر آن ملعون که در او اثر نکند چون آن ملعون ظاهر شود عالم را پر از فتنه و آشوب نماید و میان او و لشگر قائم □ جنگ واقع شود بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت حجه اللهی □ یا به دست عیسی بن مریم □ کشته شود.

۱۲-۴-*****

فصل پنجم

۱-۵- مزیت شگفت انگیز متولدین شب نیمه شعبان

در حدیثی از امام صادق □ مرویست که: «شبی که در آن قائم □ متولد می شود، هیچ مولودی در آن متولد نمی شود، مگر آنکه مؤمن باشد و اگر در زمین اهل شرک متولد شود، به برکت امام □، خداوند او را به سوی ایمان می کشاند.»

۲-۵- وصف رستاخیز

تا آنجا که امور زندگانی پیایی بگذرد، و روزگاران سپری شود، و رستاخیز برپا گردد، در آن زمان، انبسان ها را از شکاف گورها، و لانه های پرندگان، و خانه درندگان، و میدان های جنگ، بیرون می آورد که با شتاب به سوی فرمان پروردگار می روند، و به صورت دسته هایی خاموش، و صف های آرام و ایستاده حاضر می شوند، چشم بیننده خدا آنها را می نگرد، و صدای فرشتگان به گوش آنها می رسد. لباس نیاز و فروتنی پوشیده درهای حیل و فریب بسته

شده و آرزوها قطع گردیده است. دل ها آرام، صداها آهسته، عرق از گونه ها چنان جاری است که امکان حرف زدن نمی باشد، اضطراب و وحشت همه را فرا گرفته، بانگی رعدآسا و گوش خراش، همه را لرزانده، به سوی پیشگاه عدالت، برای دریافت کیفر و پاداش می کشاند.

۳-۵- معراج پیامبر

چنان که در کتاب «خصال» نوشته صدوق (قدس سره) روایت شده که پیامبر اکرم \square را ۱۲۰ مرتبه به معراج بردند و در همه مراتب هم خدای تعالی، پیامبر \square را به دوستی و ولایت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) سفارش می کرد و حتی زیادترا از دیگر فرایض سفارش می فرمود.

۴-۵- بخش هایی از زندگی امام

دوران زندگی آنحضرت را می توان در چهار بخش خلاصه کرد:

۱- دوران پدر (حدود پنج سال)

۲- دوران غیبت صغری که با چهار نفر از سفرای خاص خود به ترتیب: عثمان بن سعید،

محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سیمری تماس داشت و سپس به علی بن

محمد سیمری، دستور داد که جانشینی برای خود تعیین نکند.

۳- غیبت کبری و انتظار آن حضرت و ملاقات بعضی با آن حضرت... که آن حضرت در این

زمان، زمام امور را به «ولی فقیه» (مجتهد جامع شرائط) سپرده است.

۴- دوران درخشان ظهور آن حضرت، و حکومت جهانی او.

۵-۵- مصائب و درودهای امام زمان

۵-۵-۱- مصائب

خاطره کربلا بسیار جانسور و غمبار است، هیچکس عمق آن فاجعه را مانند امام زمان □ درک و لمس نمی کند، آنحضرت به یاد مصائب جانگداز و جگرسوز امام حسین □ بیاناتی دارد که در اینجا به چند فراز از آن که از زیارت ناحیه مقدسه گرفته شده می پردازیم، در فرازی می فرماید:

«اگر زمانه مرا تأخیر انداخت، و مقدرات مرا از یاری تو جلوگیری کرد، صبح و شب به یاد

مصائب تو گریه می کنم، و از بام تا شام سرشک از دیده می بارم و ندبه می نمایم، و بجای اشک خون می گریم.»

«ای جدّ بزرگوار فراموش نکنم آن هنگام را که: اسب بی صحبت، رمیده به سوی خیمه های

تو آمد، هممه می کرد و سرشک اشک از چشمانش سرازیر بود، و (با زبان بی زبانی) می

گفت: وای از این ظلم و ستم امتی که پسر دختر پیامبرشان را کشتند.»

۵-۵-۲- درودها

«سلام بر کسی که با خون زخمهایش غسل داده شد.»

«سلام بر کسی که با جامهای نیزه و شمشیر، شربت شهادت به کامش ریخته شد.»

«سلام بر کسی که رگهای قلبش با تیر دشمن بریده شده.»

«سلام بر کسی که محاسنش به خون خضاب شد، سلام بر چهره بر خاک نهاده ات».

«سلام بر آن بدن برهنه که لباسهایش را غارت کردند».

«سلام بر دندانی که با چوب خیزران کوبیده شد».

«سلام بر سر برفراز نیزه».

۶-۵- یک رباعی در مدح امام زمان □

تنگ است بسی به سینه ام راه نفس از بس که به راه حق نمی بینم کس

پُر گشته جهان سراسر از ظلم و نفاق ای پادشه عصر به فریاد برس

فهرست مطالب

۱- نهج البلاغه امام علی (ع)

۲- منتهی الآمال (زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام)، حاج شیخ عباس قمی

۳- النّجم الثّاقب یا مهدی موعود، مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری ره

۴- سوگنامه آل محمد، محمد مهدی اشتهاردی

۵- شناخت اسلام، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی - شهید دکتر محمد جواد باهنر - دکتر

علی گلزاده (غفوری)

۶- نشانی از امام غایب علیه السلام، دکتر محمد مهدی رکنی

۷- خاندان عصمت علیهما السلام، سید تقی واردی

۸- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سید اسد الله

هاشمی رشیدی

۹- حضرت مهدی علیه السلام، فروغ تابان ولایت، محمد مهدی اشتیاردی

۱۰- گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان امام زمان، نشر گل نرگس

۱۱- شفایافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام، نشر گل نرگس

۱۲- شگفتی ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام، نشر گل نرگس

۱۳- چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام، نشر گل نرگس

۱۴- عجایب و معجزات شگفت انگیزی از امام زمان علیه السلام، نشر گل نرگس

۱۵- دین شناسی ابتدائی یا حلّ المسائل مشکلات مذهبی، سید احمد علم الهدی